

1044

1044
17110

صورت تلگرافات
از مشهد بحاجی آباد از حاجی
آباد به مشهد

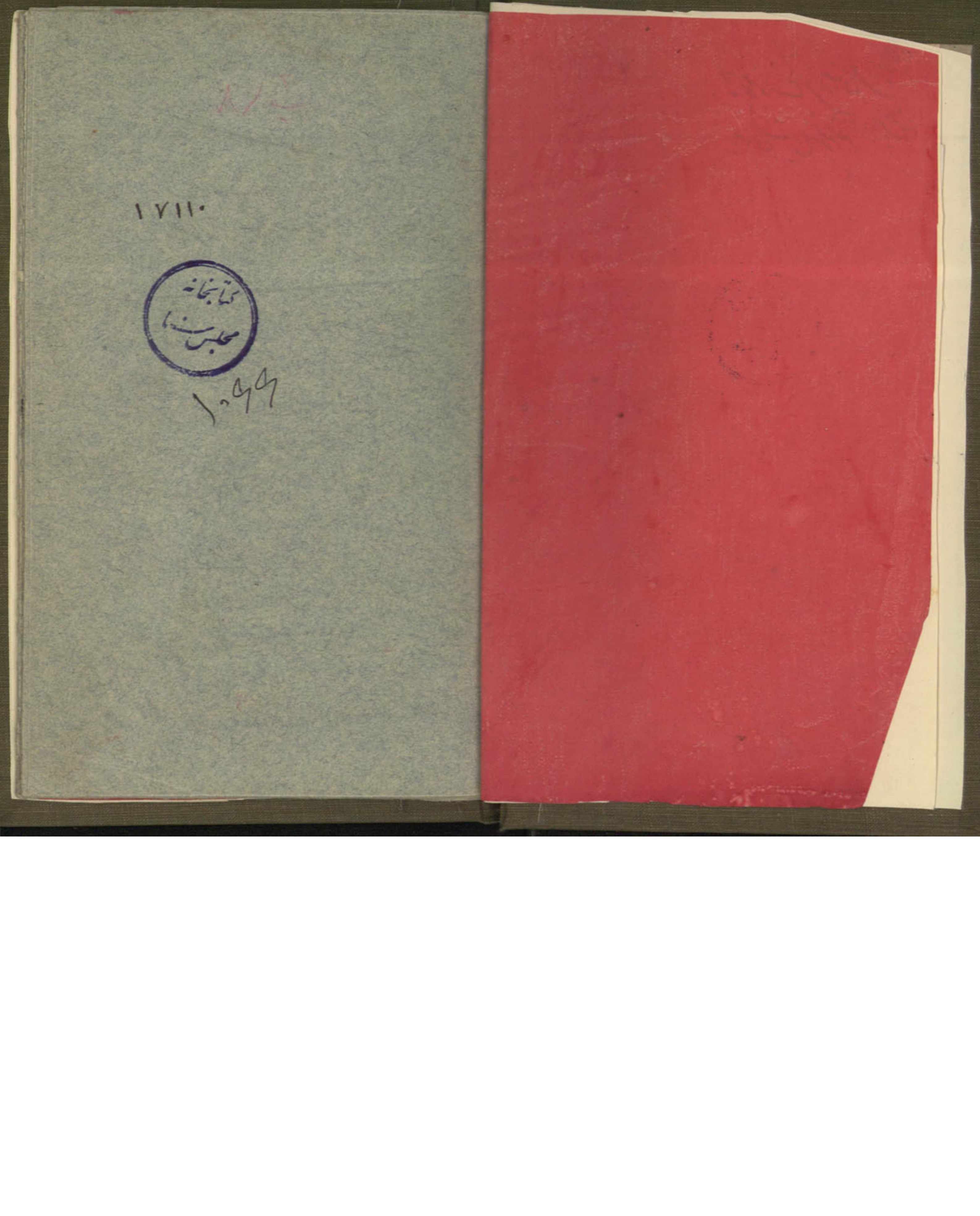
سنه
1308

کتابچه مخابرات تلگرافی در اصفهان که حاجی آقا [illegible]
باصفهان بتاریخ شهر صفر المظفر ۱۳۰۸ [illegible]

صورت تلگرافات
[illegible]
[illegible]

سنه

۱۳۰۸



١٧١١٠
کتابخانه

اخبارات

نمره اخبارات که از شهر حاجی آباد و دارالخلافه و شهر ... رسیده ۱

تاریخ جمعه ۱۴ شهر صفر ۱۳۰۸ | الی غایت دوشنبه ۱۸ و ۲ شهر ...

روز جمعه چهاردهم شهر صفر ... حضرت مستطاب اشرف ... مدظله العالی وارد ...

حضور رحمت ظهور جناب مستطاب قدسی القاب تقی میرزا ... الحمدلله که از ...

مبارک حضرت اقدس اعظم والا روحنا فداه ... و ارواحنا فداه ...

نیست از سلامتی وجود مبارک خود ... اطلاع رسید حضرت بندگان سعید السلطان

آقای میرزا ... مرحوم ... مقصود است ... نقش نگین ...

فرموده بود خیر فردی ... دیگر

از عراق عجم

حضور بندگان جناب جلالتمآب آقای ... میانه ... قوچ وران ...

قوچ گرداند ... شده جناب ... الدوله ... بوده ... صلاح ...

بعد از رفتن ... الدوله ... جمعیت و جوش ... از ...

حاجی صمصام الملک ... از طرف هم ... جمعی ...

حاضر و مستعد شد از جمال ... زرگ میرزا ... هم شهر از ... جمعیت کنی

به نظم ... محض اطلاع عرض شد مصطفی

از عراق عجم

حضرت والا ... عرض میشود که ... حضرت جهان ...

... حضرت والا ... رفتهی ...

... غلامش را ... نیستم ... عرض ... آن

وجود ... در ... از کسی ... حال در ... عراق

... غلامش ... حاجی صمصام ... حضرت ...

... اورد ... خوب ... حاجی ... شد

اورا ... نان و بچه ... و روز ... ناله ...

جناب ... در ... حضرت ...

ولایت ... ضعفا ... شیم ... قسم

تو ... سر برابر راستی ... (محمد ... خانعلی)

... آقا فردا شنبه نوزدهم شهر صفر است ما خواهیم ... ایت

تلگرافهای بلند بالا [illegible] شهر نباید [illegible] آتش که [illegible] بمانید ... ما هم (نواب)

حضرت اقدس [illegible] نواب میرزا [illegible] خان [illegible] درجات [illegible] عریضجات که رسید
ملاحظه کردیم و چند فقره [illegible] لازم بود نوشتیم [illegible] خودتان [illegible] برسید و [illegible]
[illegible] برسید [illegible] گرفته بطرف [illegible] گویند خبری [illegible] اگر [illegible]
و جناب سلطان [illegible] را هم [illegible] بیاید [illegible] خودتان هم [illegible] طلوع [illegible]
[illegible] نشد [illegible] (ظل السلطان)

جناب [illegible] [illegible] وارد حاجی [illegible] عریضجات [illegible] الدین
رسید و ملاحظه کردیم [illegible] الله خود [illegible]
[illegible] من [illegible] کرده‌ایم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بگویند [illegible] دوری نشد در هر حال جناب سلطان [illegible] روانه حاجی [illegible]
[illegible] مطالب [illegible] را عرض کنند خود [illegible] شهر [illegible]
[illegible] (ظل السلطان)

حضرت [illegible] حضرت اقدس العلیه میرزا علی اکبر خان [illegible] سلام [illegible] همین
ما [illegible] و مکان [illegible] شهر [illegible] و جمیع [illegible] سلامت [illegible]

[illegible] مبارکت کردیم [illegible] مبارک [illegible] وارد حاجی [illegible]
[illegible] مبارک [illegible] وارد و جان
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible]
[illegible]

در این باب بنده دیده صبح هم جناب جلالتمآب سالار روانه ممالک هر بار وقت از روز با شیر

شرفیاب حضور مبارک شوند چیزی که عرض لازم هم توسط ایشان بعرض خواهد رسانید غلام

جواب عراق

معتمد السلطان حاجی مصطفی خان حاکم عراق   این اوقات سلام و دعا است

و امتی تماماً قرارگاه های مرجوعه بخودتان را منظم بدارید و نگاه خودتان را اجرا

داشته مراتب حضرات خودتان شد تماماً کارها شده باشد و هر جا بهیجهه انکشاف

شان کنید نوشتم ولی از زود شان بفهم خواستم در این جواب فرق دولت انور

تعقیب اینها بعضی تمامی بنا بر جهد مرد و الله مجموع برادر و ساعتی برادر

ترک ارض ضعیف هم طفل السلطان

جواب عراق

حضرات حضرت سلطان فرزند الامام بنیت الامام حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر

حفظه الله تعالی حجة الاسلام خانم ملاقات نمایم یدیم اینجا است همه نوشته بنده

حرکات و فعال مرآنست که بعد از آنکه بنظر برسد بعضی شکسته

بدل و نماز و حرکات با از روی دستور العمل بنده که از طرف قرین الشرف

اعلیحضرت قدرقدرت و لیعهد خبر دادم از وجه خاقانی شرحی بود از خودم را پس بردارم بهم

گویند در باب آن وقت دستور العملی جاری داشتم و از آن قرار حرکت بکردیم و

یارانه خلاف بود چاکر دستور العمل جاری داریم یعنی لگر درست وقتی بفرمایند خواهید دید که

دستور العمل حالیه فرق دارد در آن ایام فوج خارج از عمل عراق بود و هر یک از

لطف خواستند در صورتیکه فوج خود در جاری دارم خواهد

آقا و معتمد این حالا داشت همه نوشته صورت رجالت این حالت

دفتر ادای معوق حواس موجود است و بگویم همه مطالبات ولی امر علم

هم مان گرفته اگر

بهانه هم بود در آن وقت سی و چهار سالم بود حالا هم چهار سالم است

نمودم هر جا خبر ترم ولی حکم دستور العملی خوب این نوع حرکت را دادم

که خبر او تعقیب بطور اعلیحضرت قدرقدرت از وجه خاقانی خبر از دو دستور العمل

بهانه نگویند ملاحظه کنند هر خود به نظر خواهد رفت و

خواهشمند این مطلب را هم ملتفت باشید هر گاه خبر از غرض کنند هم خاطر مبارک را برای

برادر دلم من آلوده باشید من هم هم بودم و خواهم بود و همان نظم و آن رتبه
در خیر شما من موجود است و هیچ جای حرفی نیست هر چه از طرف مرحمت بخیر دارم از روح جانم
امر میشود و خاطر شما را بکمال علاقه دارم همان را میکنم زیاده بر این نمی‌توانم در حق شما شرح دهم
و نوشته‌ها که خواهم نوشت و اگر از من بخواهند بعلم حجة الاسلام و تصدیق خودش بودن است (خط سلطان)

روز شنبه نوزدهم شهر صفر ۱۳۰
جناب سلطان قریب الخاقان ... از حاجی سید جعفر مجتهد سلمه الله تعالی سیدانم که
خانه را در حضور رفیع جناب از روی حقیقت دعاهای خیر در حق تو خواهند نمود و همان مستحضرم
که در این ایام بسیج خدمت ... همچون ... که حقی ... و اراده هم خاطرم را
متضرر نمایم هر بلائی رسیده‌ام از حالت صحیح خودتان اطلاع برسید و در این ایام از
دعا فرمایش نمائید (خط سلطان)

حضرت ... سعید ... خان ... ناظر ... که ... الحمد الله ...
که رسید و این خبر که از خانه بیرون آمدم حال ... شما حضور ... است
تعالی خوب خوب است خلاص شد ابراهیم خلیل

جناب سلطان نشانه ... ان قریب الخاقان حاجی شیخ محمد تقی و حاجی شیخ محمد علی
واقف بوده و لاکمال سلمهم الله تعالی در ورود حاجی ... از ... خانه ... بخدمت ...
کن ... الحق ... است هر چه را ... دلخور ... خاطر ... جان ...
و ... وجود محترم بودند و محل اعتماد و دوستی من باید ... خیلی ...
دلخور ... و در این غم ... شریکم چون با تقدیرات الهی هیچ ...
لابد ... ختم ... خدا ... ما را ... بر ...
دنیا ... همین بوده است و خواهد بود ... و الموت ...
خودتان ... راضی ...
هر چه هم شریک غمم (خط السلطان)

جناب سلطان قریب الخاقان قدوة الانام آقای میرزا محمد باقر مجتهد سلمه الله تعالی
در ... دعاهای خاص ... از این سفر ... که حاجی ...
که ... مشغول ...
خودتان اطلاع برسید و در مقام ... دعا فراموش نمائید ... زیاده ...

احوال رسیدم و از جناب آقا میرزا مسیح مخصوصاً احوال بپرسید بنویسیم (ظل السلطان)

امیرالامراء العظام مظفرالملک رسیده ایم به سلامتی حرکت و رسیدن از سفر سواری
و شوقی که داشت مخصوصاً از روی خود ما چه آقا اطلاع رسیدیم و از کارهایم احوال رسانی نمایم
از صحت خودمان و رفع درد سر مینویسم و لیعهد (ظل السلطان)

جناب مستطاب شریعتمدار قبله الفقهاء میرزا محمد هاشم مجتهد سلمه الله تعالی العضد حرم
صحت مزاج و ورود حاجی آقا نوشته ام از شخص محترم جناب عالی مخصوصاً اصل رسید نمایم
انشاءالله تعالی مزاج سالم مشغول دعاگوئی وجود اقدس اعلیحضرت قدر قدرت شهنشاهی
اروحنا فداه هستید و مرا هم از نظر محو نخواهید نمود شنیدم کسالتی داشتید الحمدلله رفع
را معلوم کرده اید انشاءالله باعث مسرت است از رفع نقاهت مزاج خودتان مسرورم
و البته و از کارهای خودم احوال پرسی نمائید (ظل السلطان)

جناب رئیس الملک حمد خیر هزار و ده سلامت ورود حاجی آقا نوشته ام و احوال
مرحمت طبعی از کفش نمره بوکر صدیق و درست نمیشد احوال پرسی نمایم و حاجت

سعدی

سلامتی خودتان را خبر بدهید گرفتار علیرضا کنید و اقا حاجی علیرضا وارد اصفهان شده است اطلاع
از حالت خودتان اطلاع بدهید (ظل السلطان)

نواب نور چشم والا مقام شاهزاده اسمش... تلگراف و مرتب هر روزه از صحت
و ورود حاجی آقا نوشته اید از دیدن خط شما خرسندیم اگرچه ... و مخصوص مینویسید از حال حرکت
اطلاع بدهید منتظر باشیم از حضرت مسرور شدیم ظل السلطان

معتمد السلطان میرزا نصرالله خان انشاءالله تعالی احوال شما خوب است و مشغول نظام جهات
بنویسید از سلامت خودتان اطلاع بدهید (ظل السلطان)

حضرت جناب جلالتماب اجل اکرم آقای مشیرالملک دام اقباله در درگاه مبارک
سلامت جنابعالی و ورود حاجی آقا نوشته ام اگرچه هیچ دلتنگی در این سفر دارید البته باعث
نقص ارادتم نخواهد شد بحمدالله جهت عرض عبودیت مینویسم بنده دعاگو (ابراهیم خلیل)

حضور مبارک حضرت مستطاب علیه عالیه دامت شوکتها دو هفته است زیارت

به حضرت علیه شرف اندوز شدم خیلی محظوظ هستم و همه چیز نوشتن هم زحمت زیاد [illegible]
خیلی زود از بیماری وجود مبارک سلامتی یافتم دیدند [illegible] (ظل السلطان)

جناب مستطاب قریب الالقاب [illegible] آقا میرزا محمد [illegible] سلمه الله تعالی [illegible]
در سفر مرحمت [illegible] نعلین هم دارم [illegible] از اوقات غفلت [illegible]
[illegible] و بخواهند مخصوصاً در این اوقات هم در نظر خواهم بود از حالت صحت خودتان
اطلاع بدهید (ظل السلطان)

توسط جناب [illegible] جناب حاجی ملک التجار ان شاء الله تعالی احمال ما
خوب است در ماه رمضان المبارک حمل دادیم به مقرری روزنامه اخبار [illegible]
و حمال ها هم این بود تمام [illegible] حالا از روزنامه اخبار کاغذی رسید که
مقرری شان [illegible] شدم [illegible] تا حکومت جبران [illegible]
خواهند نمود و بجهت [illegible] خواهید رسانید [illegible] بدهید (ظل السلطان)

معتمد السلطان [illegible] وعده [illegible] حاجی [illegible]

وارد حاجی آباد شدیم مثل این است که [illegible] اصفهان [illegible] مخصوصاً احوال
رسیده‌ام از حالت خودتان اطلاع بدهید (ظل السلطان)

عمدة الامراء العظام سرتیپ در ورود حاجی آباد بهتر [illegible] توسط [illegible] از حالت
سلامتی وجود خودتان اطلاع بدهیم و از حالت [illegible] از حالت سلامتی
خودتان [illegible] هم [illegible] صورت [illegible] و گوش [illegible]
[illegible] حاجی [illegible] سلطان [illegible] (ظل السلطان)

جناب مستطاب شریعتمدار قریب الالقاب آقا میرزا محمد حسن [illegible] سلمه الله تعالی [illegible]
همه جا [illegible] علیهم اجمعین [illegible] دعا [illegible] حالا وارد حاجی آباد [illegible] مخصوصاً
از جناب عالی [illegible] ان شاء الله تعالی احوال جناب عالی هم خوب است (ظل السلطان)

معتمد [illegible] احوال [illegible] از حالت خودتان اطلاع بدهید (ظل السلطان)

حضرت [illegible] سرکار معتمد السلطان [illegible] جعفر [illegible]
[illegible] از خاطر [illegible] خواهید نمود چرا [illegible]

عریضه عرض کرده بودم جواب نرسید البته منتظر خواهم بود ولی اثر مبارک خودتان محال میشود

تفصیل در حین حضور عرض میشود عالیجاه مقصود خواهد بود انشاء‌الله (ارادتمند برادر حقیر

جناب بشیر الملک عرض میرساند که مرا در این باب حاجی سید ابراهیم راهنما و رهبر

(ظل السلطان)

حضرت والا نیز از فضل الله خان مرتب یاد کرده الله علامتی دارد حق تعالی نگهدارم

و مزاج شان هم بحمدالله سالم است از حالت سلامتی خودتان اطلاع بدهید ظل السلطان

جناب سلطان بسته نعمدار و حروف الانام ... امام علیه السلام از برکت دعای خاص

جناب سلطان ... عالی وارد حاجی الآن هم و توابع قوه ... باطنی و ظاهری با عشق

قلبی از جناب عالی احوال پرسیده میشوم است ... از مزاج شریف جناب عالی در کمال

صحت است از مژده صحت مزاج خودشان مسرورم دلیل این ارادت هم

نام استجابت دعاست البته از نظر شریف محو نخواهم شد (ظل السلطان)

جناب خلیفه دربی ... در این موقع امداد حاجی الآن هم للانام دارم

که از کمال رسیده‌ام است الحمدلله تعالی احوال خوب است و ... از نظر در مقام

استجابت دعا محو نگشته و نخواهد گرد از حالت صحت مزاج خودتان هم اطلاع بدهید

(ظل السلطان)

حضرت اجل بیشتر از حد احسان است الحمدلله تعالی احوال خوب است و کسالتی نزدیک ندارم

بس از اتمام ... مذاکرات حرم روز خاص احوال پرسی نمائید و مرا هم که به ایشان

حضرت اجل قدس الله روح خداوند را هم به اطلاع نماید خود شان هم ... بدهد

باشد دور از حضور هم نباشید (ابراهیم حسینی)

تصدق حضور مبارک و حضرت عالی از ذیح ناشی ... ما به زبان گویم

حضرت اجل ... سایه مبارک ... حضرت مستطاب اجل قدس بعد والدار و جناب

را با رفاق خادم حاجی ... و سلامتی جناب عالی را که از ... حق

جناب عالی الحمدلله ... حب العرش ... دعا نمایم و دعا ... جناب عالی مبارک

خواهشمندم (شیر ...)

جواب

قربان خاکپای مبارکت گردم [illegible] دستخط مرحمت و الطاف مبارک حالا به

درجه ضعف این پیر غلام [illegible] جان [illegible] از تصدق ذات مبارک الحمدلله بهتر

از تصدق وجود مبارک حالا که در آستان معدلت نشان [illegible] حالی [illegible]

و عموم مردم فارغ البال و آسوده مشغول دعاگوئی هستند و شهر هم در کمال امنیت

و انتظام است [illegible] هم از شرفیابی حضور مبارک [illegible] حالات را [illegible]

بعرض میرسانند اگر [illegible] شد [illegible] بعرض اقدس مبارک [illegible] خواهد رسانید [illegible]

جواب

بعرض حضور مرحمت ظهور حضرت [illegible] شرف [illegible] والده [illegible]

[illegible] الطاف [illegible] مبارک [illegible] روحی [illegible]

[illegible] دعاگوئی و شکرگذاری [illegible] قرار [illegible] شکرگذاری [illegible]

[illegible] دعاگوئی [illegible] وطن [illegible]

[illegible] اوقات دعاگو و جمیع [illegible] اشتغال به دعاگوئی [illegible] هم در مسجد [illegible]

دعاگوئی میشود و هم [illegible] مجلس روضه خوانی و دعاگوئی [illegible] است و دعا

[illegible] زمان [illegible] حضور مبارک [illegible] اجابت [illegible]

جواب

[illegible] شرف [illegible] شرف [illegible]

همایون [illegible] خرم [illegible] این عید [illegible]

[illegible] این [illegible]

رعایای محروسه سالم و [illegible] دوام نعمت وجود آن ذات مقدس [illegible] میباشیم

جناب [illegible] جناب [illegible] جواب [illegible] جلالتمآب [illegible]

[illegible] حالت [illegible] (اعلیحضرت السلطان)

قربان خاکپای مبارکت گردم [illegible] امر مبارک [illegible]

[illegible] اجازه [illegible] امر مبارک [illegible] مشغول [illegible]

جواب

تصدق [illegible] مبارکت گردم [illegible] زیارت [illegible]

شرف [illegible] بعرض [illegible]

[illegible] عرض [illegible]

خواهش بیشماری و عرض تظلم به کتابی مبارک مطلبی حضرت خلوت [illegible] دارستان را هم
[illegible] ضمیمه کرده باشد [illegible] حکام اهالی مرحمت نیست [illegible] حضرت والای
جلال الدوله روحی فداه هم بحمدالله تعالی امزاج مبارکشان سالم و امورات ایشان [illegible] در
کمال انتظام است از [illegible] عراق هم البته خاطر مهر مظاهر مبارک مستحضر [illegible] است در
[illegible] هم [illegible] ارواح العالمین فداه [illegible] مستحضر است [illegible]
رکن الملک [illegible] (غلام خانه‌زاد محمد حسین [illegible])

جناب [illegible] الملک [illegible] در خصوص [illegible] نوشته بودم [illegible]
[illegible] این بود [illegible] در اینجا [illegible]
[illegible] ده روز [illegible]
این ده روز [illegible] خودم [illegible] آن وقت هر چه صلاح است همانطور خواهم
کرد [illegible] در خصوص [illegible] روز [illegible]
تومان مخارج و [illegible] تعطیل [illegible] این ها را [illegible] درست [illegible]
[illegible] هر هفته [illegible] تأخیر [illegible] چهارم

[illegible]

[illegible] بگویید [illegible] در مخارج [illegible] ملاحظه [illegible] مخارج فوق العاده
[illegible] ادیت
[illegible] همت دارد [illegible] است [illegible] است جناب [illegible]
انتظار رسیدنش را داریم [illegible] این است [illegible] در این [illegible]
مادر [illegible] دارد و حاضر خدمت [illegible] (ظل الله [illegible])

حضرت سرکار اقدس [illegible] ابراهیم خلیل خان [illegible] جمال [illegible]
دار [illegible] تشریف [illegible] است [illegible] بود [illegible]
[illegible] بود [illegible] دارد [illegible] است [illegible]
[illegible] تصور کرد [illegible] است [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] عرض کرد [illegible] شد
تصور [illegible] نمودم چون از حضور مبارک [illegible] در این [illegible] نکند و
[illegible] تصور [illegible] نمودم حضرت [illegible] ایشان هم [illegible] الله
معذورم خواهید داشت برای [illegible] و حرمت [illegible] (رجب [illegible])

تلافات

اسبابی از طرف خانه [illegible] چنین می‌گویند روایت مجهول است که بعضی نصیحت آن کرده‌اند در ملک

و ملک قزوین [illegible] و دو سه فقره از طلا بیش نبوده در دست [illegible] و حال به علام در حد

و سجاهم حرف دارم هر ساز [illegible] آنکه هم آنجا بوده در مقام تحقیق [illegible] نقد [illegible]

که سابق اخراج شد [illegible] بعضی هم [illegible] هنوز چیزی معلوم نیست محرمانه است [illegible]

اطراف خبر [illegible] هر اسباب را [illegible] و [illegible] هم [illegible] و در هر شهر [illegible]

مورد اطراف از جناب [illegible] بجناب [illegible] شده هر این [illegible]

[illegible] خود [illegible] هم [illegible] است [illegible] جناب [illegible] حضرت [illegible]

رعایای [illegible] حاجی [illegible] رفته [illegible] حکایت دارند اطراف [illegible]

[illegible] از این جناب [illegible] و [illegible] محمد تقی [illegible] و شاه [illegible] مسجد [illegible]

[illegible] حقیقت دارند چیزی [illegible] هم [illegible] مشغول

اطراف [illegible] جسارت نمود

نقد [illegible] کردم در باب تقدیم [illegible] علام نیست یعنی

[illegible] مقام [illegible] معروض دارم در [illegible] هم [illegible] وجود [illegible]

و [illegible] جسارت [illegible] مبارک نمود [illegible]

[illegible] در [illegible] بعضی در [illegible] هزار گونه [illegible] کرده‌اند [illegible]

علام در [illegible] این [illegible] هزار [illegible] چون [illegible] است [illegible]

نخواسته بعضی در [illegible] آنها [illegible] توقف هزار گونه عذر [illegible]

رحیم [illegible] چون [illegible] در [illegible] بوده [illegible] شهر [illegible]

تا [illegible] بوده [illegible] هم [illegible] شد [illegible]

صورت ظاهری [illegible] سرکار [illegible] حرف [illegible] بوده [illegible]

قبول کردم و [illegible] تقدیم نمودم در باب [illegible] هم [illegible]

خود [illegible] مبارک تمام [illegible] در باب مخارج [illegible]

هم [illegible] تقدیم و جواب سؤال نمودم [illegible] مبارک در مخارج زیاد [illegible]

[illegible] جواب [illegible] این حضرت [illegible]

[illegible] تمام [illegible] تومان از [illegible] برای [illegible]

[illegible] تومان مخارج دارد [illegible] مجبوراً هم [illegible] نمودم

در باب [illegible] مبارک هم [illegible] معروض داشتم [illegible]

با بعضی از وزرای که بهتر برگاه ارتباطات کار اعلام و اهم بود و حضرات ایشان فرستادت

و عقبهای خارجه در کار نبود به چه رای خاطر در اینجا به مبارک حاضر باشند اینها را اعلام

حضرت نشده است و حالا این نیست هم بگوید حضرت اقدس اعلام جلیل است (

روز یکشنبه ۲۰ شهر صفر ۱۳۰۳

نواب نور چشم نایب السلطنه ایشان در ترتیب نظم قشون مبارک [illegible] را در حرم [illegible]

نوشته بود در چند دفعه شرف اندوز شده ام و چند روز است که این اوقات را داریم و آن است که

تحف فیضان نام وزرای بخواهند برای معالجه ایشان رفته بود نیز های خواجه تحف بختیاری

با جمعی بختیاری همراه آمده است و حالا دو را ه [illegible] خودش را دارند و معالجه خود هم

همین نایب السلطنه ایشان را می کنند که حالا بابت [illegible] و هم از اتمام عمل بیرون نصرالدین خان

ایشان دیدن هم [illegible] آنهم تعاقب اینها بوده است تحف [illegible] را مهیا بیارد و حالا

دیدن هم قابل را تعاقب می کنند اینها از حالا دیدن برادر الله بختیاری

وحشی متوثر مراجعت نیاز چون جواب طهران را ندیده است هنوز چه جواب بود ملاحظه

معقول را بالکل انسان نیست دعا خواهان هم [illegible] باشند و از حرم [illegible]

حضرت خاتم سلطان حضرت القاب [illegible] سلمه الله تعالی است انشاءالله تعالی منزل مبارک

است و بسته در حضور مبارک جناب جلالتمآب اجل آقای نیر الملک دام اقباله امروز آورد

خانه نیر الملک [illegible] در قصد عقد [illegible] هم هم توسط خان جلال السلطان

نیر الملک دام اقباله تقدیم نموده اند چون [illegible] حضرت اقدس والا روحنا فداه مهر

داشته اند در حق خانه ان حرم کار سازی شود [illegible] باشد [illegible] دلم تنگ است

جواب

تصدق خاکپای مبارکت گردم هرگز اعلیحضرت [illegible] تحویل مرحمت از حضور مبارک

مهر شده و منزل مرحم که در سرکار خانه دارند [illegible] تقصیر است [illegible] را

علا، [illegible] از موضوع نزول مرحمتی معمور سازی فرمایند [illegible] الله جل جلاله

بی مقدار [illegible] تصدق نعمی مبارک و [illegible] جان نثاری و چه شکر گذاری در [illegible]

مبارک این اعلیحضرت [illegible] الله (

جواب

تصدق خاکپای مبارکت گردم این اعلیحضرت جان نثار از این مرحمت عظمی [illegible]

خاطر مهر مظاهر مبارک [illegible] مرحمت فرمودند [illegible] تا حضرت [illegible] الله تعالی

جان این ذره را بر ورد التفات کامل نسخهٔ مبارک کرده‌اند چند روز بود در حضرت [illegible]

مشغول دعاگویی وجود مبارک بود و توجهات حضرت خداوندی مخصوص [illegible] دعای وجود مبارک

و دولت [illegible] می‌نمود [illegible] در حضرت [illegible] ارباب و الا آقای [illegible]

فهم نمود مشغول خدمات می‌باشد (غلام [illegible])

جواب

التفات کامل [illegible] مبارک [illegible] ذره وجود [illegible] حضرت [illegible]

نعمت [illegible] جانم [illegible] ملک [illegible]

در [illegible] می‌باشد (خانه‌زاد فضل‌الله)

حضرت آقای [illegible] خان ابراهیم خلیل خان دام اقباله در [illegible]

در [illegible] رسید و مخصوصاً [illegible] حضرت [illegible]

و وجود مسعود مبارک [illegible] سر مبارک [illegible] (و [illegible])

حضرت [illegible] آقای ابراهیم خلیل خان دام [illegible]

[illegible] از سرکار [illegible]

در جواب [illegible] آقای ولیخان [illegible] رضای [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] عریضه عرض کنم [illegible] مجموع [illegible] بود

[illegible] چند روز [illegible] سلامت باشید مخلص حقیقی [illegible]

[illegible] مبارک حضرت [illegible] روحنا فداه [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] شرف [illegible] وجود مبارک

[illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] مبارک شرف [illegible] (کریم)

[illegible] السلطان [illegible] احوال [illegible]

[illegible] باشید (ظل السلطان)

هر تو داعیان بعرض ملازمان میرساند هر بر بتوسط مبارک که بودن مبشر فرح افزای این دعاگوی حقیقی

مرحمت فرموده بودند منشرح و سرافراز گردیدم و چون مظهر سلامتی ذات بابرکات آن مجادت دستگاه

رفعت بود حمد و شکر الهی را بجا آوردم و از جهت ظهور و بروز الطاف و مراحم سلطان و وزرا

پروری و منصب پروری فرموده بودند خود را نیز مسرور نمودم و زیاده از سابق در دعاگوئی آن خلاصه خلائق الله

که باعث جمعیت دلهای خاص و عام بود مشغول گردیدم [illegible] بالله تعالی و ما [illegible]

[illegible] ادام الله تعالی ظلال رحمتهم علی الانام محمد حسن نخجی

عریضه [illegible] چون [illegible] میرسد [illegible] حاجی محرم را [illegible] حاجی [illegible]

[illegible] مبارک کردم و بسطر مرحمت [illegible] زیارت [illegible]

[illegible] خبرهای غم [illegible] چون [illegible] بعضی اخبار و وقایع [illegible]

هم [illegible] عرض [illegible] آن مبارک رسانید [illegible] محمد حسن [illegible]

شکر الله سبحانه و تعالی [illegible] زیارت [illegible]

[illegible]

حضرت [illegible] بعد حمد و شرف والا [illegible] از سلامتی وجود مبارک و نزول اجلال

رافع [illegible] بود شرف [illegible] و سعادت [illegible] نهایت انبساط و ابتهاج [illegible] این داعی

ضعیف که در [illegible] خالق جهان [illegible] آن مظهر صفات [illegible] و سرور [illegible] آن مرتبت

کمالات [illegible] و [illegible] دارد و [illegible] عدل و داد [illegible] بعود

از [illegible] ملک سعود گرداد [illegible] الاعلی و سلم الله علیهم اجمعین و [illegible]

الاعلی الاکرم و رحمة الله [illegible] تعالی و [illegible] حضرت [illegible] نعمت [illegible]

[illegible] احوال [illegible] شنا خواهی باشد [illegible] (

موقف عرض حضرت امجد ارفع [illegible] الله دام [illegible] مبارک در [illegible]

مرحمت و رسم [illegible] سرافرازی دعاگو [illegible] مرحمت [illegible] موجب [illegible]

[illegible] احوال [illegible] مرحمت خاطر مبارک [illegible] مرحمت

خاطر مبارک [illegible] ام [illegible] آن [illegible] دام [illegible] از دعاگوئی و

[illegible] حال [illegible] در [illegible]

مبارک [illegible] دار [illegible] مبارک [illegible] دعا

بحضور مبارک مشرف خواهد شد ؛ زمره الدعا سلطان الحاج محمد تقی)

تصدق خاکپای وجودان های مقدست بابرکت شوم در موقع مبارک عید سعید نوروز
وصول مکتوب مرقوم که حضرت اشرف اقدس امجد ارفع اعظم
ارواحنا فداه نمودید و سعادت و اقبال به حاجی آقا روحنا رفتند جان نثار هم درین
حزن و عید بود زیارت و خط جناب حاجی شالی و شکر گزاری اعلیحضرت اقدار
ملک رهبر را نموده را پس جناب شیخ کاوات رسانیدم هم شکر الله … رحمت
و تفضلات که از طرف قرین اشرف مبارک والا فخامت این جانثار خانه زاد
بنده را فرموده بودید هم که جانها … چون تصدق و نثار خاکپای مبارک کنیم و انده
از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید خداوند تعالی ذات ملکوتی آیات
مقدس حضرت ولی نعمتی را ارواحنا فداه را در پناه رحمت کامله خود محفوظ
داشته سرا را … جان اعلیحضرت مقدر قاآن خاکپای … الحق …

حضرت … حاجی میرزا … دام … روز …

جان نثار دیده را نگیرد هر گاه از دست شده فارغ شود دعا بهتر از این مطلوم … تعدی
گردون رسید بروجرد هزار تومان آنهم خرج فقط شده بر دستی هم ولیعهد … زرنجال
… آذر … خلق مینمایند که آنوقت معتبر شده کم زیاد بهر دو مشهدی عباس علاف
چه گو حقیقت … ایستم تمام تا چه برانه … دارید و چه قرار
الضا فیه بیش از این جسارت نمیکنم لذا محور جبین …)

بعرض خاکپای مقدس مبارک میرساند دستخط قطعات … الدولت …
مزاج سعادت امتزاج حضرت اقدس ولی النعم اعظم ارواحنا فداه … مبارک
بصحت و سلامت و مرور … حاجی آقا … زیارت و تاج … صد هزار …
گذشته و رسیده … حالت علم در این چند روزه هم حاجی … میرزا محمد خان مستقل
مرض قولنج شدید بوده تمام خوشحالی خودم را … تجاری و جسارت کرده …
اگر حضرت … شرفیاب شده … تفصیلی … بعرض … برسد
این توجهات و تفضلات ملوکانه رافع و دافع جمیع آلام و اسقام ظاهری و باطنی جان نثار است

جناب حاجی [illegible] (اعلم خان رکن المحسن)

بعرض اقدس امجد بعد از شرف ارفع خاکپای مبارک دعاگوی مخصوص قدیمی که از زیارت
در هوای موکب مبارک کامیاب نبود آن حاجی چیزی در کابینه ضعیف که صد هزار شکر و حمد به آستان رب بی‌منتهی
ذات اقدس با نهایت جانها نصرای این مرحمت بوده که ضعیف دعاگویان ما معجز
ارفع اعلا دامت برای وجود حال نیز [illegible] بود تعلق وجود مبارک که تمام از این دعا
ملک بهرامه چند روزی رفع شد و از ضعف قوت و حرکت به در آمدن اطاق برآیم
چون دعای [illegible] در حق رعیت مستجاب است دعای حضرت اقدس والا را التماس دارم که
دعاگوی دولت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلام پناه خلد الله ملکه و وجود مبارک اعلیحضرت
اقدس والا دوام [illegible] بوده‌ام در حق بنده [illegible] حال
او نیز بر دعاگوی اشتغال دارد معلوم است [illegible] الباقی ایام العمر [illegible]

(محمد هاشم موسوی)

بحضور مرحمت ظهور مبارک [illegible] حضرت [illegible] والا روحنا فداه دستخط

مملکت [illegible] زیارت که مژده سلامتی وجود مبارک [illegible] حاصل [illegible]
شرفیابی مبارک [illegible] در [illegible] روز [illegible] حضور [illegible]
ذره [illegible] شدم حاجی سید [illegible] چه [illegible] برخودت [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] شدم [illegible]
[illegible] حضور [illegible] در [illegible] زبان [illegible]
در [illegible] حاجی میرزا [illegible] حضرت [illegible] در [illegible]

[illegible] محمد

بحضور [illegible] حضرت [illegible] ارفع اشرف اقدس والا دام
[illegible] مبارک [illegible] دعاگوی [illegible]
[illegible] دعاگوی [illegible] علی [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] و مرحمت آنحضرت [illegible] الموسوی

حضرت [illegible] ابراهیم [illegible] خان دام [illegible] سید [illegible]
[illegible] زیارت [illegible] منزل [illegible] خان [illegible]

دام جلاله نزول تعزیه‌بان عاشر مجلس روضه مشغول و عالمی با وجود ... مبارک ...

در جناب ... جلادت و حال ... و ابلاغ سلام نمودم ... عرض ...

بعضی ... کثیر تقدیم حضور مبارک ... و در ... (منشی باشی)

حرمت السلطان میرزا ... احوال ... از ... میرزا ...

خبر دادم ... خود ... را ... کند (... السلطان)

جناب ... ... دولت ... کند ... خبر ...

... و ... را ... که ... و ...

... جناب حاجی ... الدوله ... خبر دادم ... وقت ... اطلاعات

خود ... را ... کند (... السلطان)

روز دوشنبه ۲۱ شهر صفر ۱۳..

حضور مرحمت ظهور ... جناب جلالت‌مآب اجل آقای مشیرالملک دام اقباله العالی

در گوشه ... حاضر نمودم و مولود مرحمت کثیر در کتاب مبارک ... مشغول ...

... و ... و ... که ... مرحمت ... معظم بوده که بشارت شریف

... را که شنید شعف کثیر ... موقوف شد محروم ... شریف

... معلوم ... (عبدالحسین)

معتمدالسلطان میرزا اسدالله خان سابق ... که ...

... و ... تمام ... خواهید

... و تقدیم خواهید کرد (... السلطان)

حضرت ... معتمدالسلطان ... ابراهیم خلیل خان حاجی ...

... سال ... شده ...

باشد ... (...)

تصدق خاکپای مبارکت شوم   دستخط مطاع مبارک زیارت شد و فتح نامه ارسال غلام بمقصد ارسالت

محض مرحمت دوره روزی از حالت غلام تحقیق بفرمایند حقیقت حال و بالسویه دیده

را تصدق خاکپای مبارک نمایم تصدق شوم کمی [illegible] از زیارت جمال مبارک محروم

شهر حاکم نشین مشغول است بعد از چند روزی هم بود هستند بیست و پنج روز در روز حاصل

در تصدق وجود مبارک فوری بفرستم در باب حاجی میرزا کریم هم در این نقطه

بالکلی از شمار این هم است ولی نقطه گذشته هم دستخط مبارک کارای او در دست و محفوظ

باد نوشته هم این را هم [illegible] روز غره ربیع الاول در اصفهان حاضر باشد

و زیارت اینکار را که هم باشد و آن را انتظار روز ورود موکب مبارک در [illegible] جلال

بحضور مبارک سرکار حضرت اشرف [illegible] والا [illegible] فعلا عرضه می دارد هم

دستخط [illegible] زیارت کمتر در [illegible] و [illegible] بخود [illegible] حضرت

آن و نتایج شد [illegible] از جناب [illegible] و هم بود [illegible] خاطر مبارک [illegible] باشد در شهر

دستخط مبارک و [illegible] تنزل زیادی هم در جمعیت [illegible] بهم رسید موجب [illegible]

دلتنگ باشد [illegible] تقدیم قبض [illegible] هم [illegible] باشد در باب [illegible]

و دلیل [illegible] و پنجم شهر محرم از [illegible] حرکت [illegible] چون [illegible] شرع نمودند [illegible]

آن باشند لهذا [illegible] ورود موکب مبارک [illegible] [illegible] میرسد [illegible]

جناب حاجی سید ابراهیم رسید [illegible] مبارک [illegible] [illegible] جان نثار [illegible]

حضور مبارک جناب جلالتمآب [illegible] شیر الملک [illegible] چون [illegible]

[illegible] بعضی از حاجی آقا [illegible] و تحویل [illegible] مرحمت فرمود

[illegible] حضرت [illegible] حاجی میرزا [illegible] باشد [illegible]

[illegible] (محضور)

حضور مرحمت ظهور [illegible] جناب جلالتمآب [illegible] شیر الملک [illegible] دام [illegible] العالی [illegible]

[illegible] جناب [illegible] باشند [illegible]

[illegible] تقصیر فدوی [illegible] جنس هم [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] و در این صورت چه [illegible] در دنیا [illegible]

[illegible] فدوی [illegible] زیاده جسارت [illegible] [illegible] الله [illegible]

تشریف و به تعهد ریال نیستم که اجازت نفرمایند مشرف شود عرایض حضور به عرض

رسانید (عبده الجانی)

جناب مستطاب قدوة العلماء شریعتمدار حاجی شیخ محمدتقی نجفی سلمه الله تعالی حضرت حجت الاسلام

تمامی درجات مرحوم را دارا کنند و انجام مراحم فرموده ولیکن دعاگوی جناب ارفع خان کرد

حضرت حجت الاسلام [illegible] بازماندگان آن مرحوم را نگاه داری [illegible] و بایستی الله تعالی نجفی دعا

ایشان را هم جناب عالی [illegible] حقوق هم همه ساله [illegible] آن چنانکه [illegible] سید به موجب

علاوه بر این جناب مشیرالملک نوشته ام حق بازماندگان این [illegible] است باید به توسط جناب عالی هم

سایر امور (ظل السلطان)

به توسط جناب مستطاب قدوة العلماء شریعتمدار حاجی شیخ محمدتقی نجفی سلمه الله تعالی جناب شیخ [illegible]

حقوقی که مرحمت [illegible] آن بیچاره شیخ محمدحسن مرحوم همه ساله در من داشت در حق بازماندگان

آن مرحوم مقرر داشتیم همان حقوق را همه ساله در حق اولاد ایشان کارسازی دارید (ظل السلطان)

به موقف عرض حضرت اجل ارفع اسعد اشرف والا دام اقباله العالی میرساند که [illegible]

مبارک بشمول مرحمت در حق بستگان مرحوم برادر [illegible] به موجب [illegible] دعاگوی

کافه بستگان مرحوم حجة الاسلام رحمه الله که به هر مراتب دعاگوئی او اولاد مرحوم شیخ محمدحسین

هم درجه کمال و بحضور مبارک موثق است و ظهور عنایات خاطر مبارک به موجب تقویت

خاطر عموم [illegible] ایشان خواهد بود حضرت اقدس عالم [illegible] مبارک را مستدام بدارد باقی [illegible]

الامر مطاع (داعی محمدتقی)

به موقف عرض حضرت اجل ارفع اشرف والا دام اقباله العالی میرساند حضرت اقدس عالم

ظلی مرحمت خاطر مبارک را بر کافه ممالک محروسه مستدام بدارد و [illegible] مبارک را به عنوان

تعزیت دعاگویان مرحمت شده به موجب [illegible] دعاگوئی گردید اگرچه این مصیبت

بر دعاگویان بسیار سخت و بزرگ است ولی مطلب همان است که فرمایش شده [illegible]

و انا الیه راجعون [illegible] بواسطه ظهور مراحم خاطر مبارک تسلیت قلب برای دعاگویان

و سایر بستگان آن مرحوم حاصل است باقی ایام مرحمت مستدام باد داعی شیخ محمدتقی

داعی شیخ محمدشاه (داعی جمال الدین)

حضرت آقای ناظرباشی   خانه‌زاد [illegible] آقای [illegible] خانم

دعای [illegible] تمام [illegible] نوشته [illegible] (... السلطان)

حضرت بندگان [illegible] آقای میرزا محمد اسمعیل خان دام اقباله   ملاحظه فرمایند [illegible]

[illegible] الطاف [illegible] مسعود [illegible] تشریف [illegible]

جناب جلالتمآب [illegible] از [illegible] بشود [illegible]

حضرت سرکار [illegible] حاجی حضرت قلیخان سرهنگ   الحمدلله [illegible] دارد [illegible]

[illegible] از سلامتی [illegible] اطلاع [illegible] (میرزا حسین [illegible])

حضرت [illegible] ابوالقاسم خان   [illegible] مصطفی خان

[illegible] از سلامتی [illegible] اطلاع [illegible] (مرتضی)

حضور سرکار [illegible] آقای میرزا [illegible] دام اقباله [illegible] بندگی

[illegible] دارم

امید دارم وجود ذی‌جود شریف عالی در صحت و مسرت باشد الطاف [illegible]

[illegible] دارم [illegible] خصوصات [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] رفع [illegible] بود [illegible]

[illegible] از سلامتی مزاج مبارک [illegible] یعنی سرکار [illegible]

سرکار حضرت [illegible] آقای [illegible] دام [illegible]   ملاحظه فرمایند [illegible]

[illegible] الطاف خصوصات

[illegible] حضرت سرکار آقای محمود [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] آقای [illegible] خان دام اقباله

[illegible] سلامت [illegible] (مخلص [illegible])

جواب [illegible]   ملاحظه فرمایند [illegible] جمع [illegible]

[illegible] حواله [illegible] شد [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] حادث [illegible] (حبیب‌الله)

حضرت مستطاب سرکار معتمدالسلطان آقای ابراهیم خلیل خان   تا الله جواب تلگراف سرکاری
از حال و صعوبت روزگار اطلاع بگیرید

روز سه شنبه ۲۲ شهر صفر ۱۳

حضرت مستطاب معتمدالسلطان آقای ابراهیم خلیل خان دام اقباله   مراتب عرض شد احوال
رئیس عرض کنم قریب چهار هزار تومان کمتر از محصول قطعه سرکار [illegible] است که هر ساله برداشت می‌شود
برسند هر گاه صلاح بدانید   حضرت معتمد بعضی از خلاصه را بنویسند
مرتبط را جمع و تقسیم نموده این وجه را از قبل پیش برسانند که بامور جمع‌آوری زراعت خود
فقط سرراه آرام می‌گذارد (مخلص حسین)

حضرت سرکار معتمدالسلطان آقا میرزا محمد جعفر خان دام عزه   تا الله سعادت بیشتر و طولانی
برادر هر چند روز است مرحمت کم شده خرج بسیار قطعه میرزا محمد جعفر
پول بفرستید که از این جهت روز هزار تومان کار تمام نشده در وقتی که باید دو دو روز
دیگر تعطیل کار شود فقط در میان باشد (حسین)

حضرت اجل اقا میرزا عبدالحسین خان نایب الحکومه کردن   تلگراف شما رسید از ملاحظه
حالت شما سرور شدم آنچه نوشته بودید از آباد معمور بود بلکه زیادتر هم مشکل است
حالت خوشی برادرم هم خواهم حرکت نمایم الحال حسن گذشته در این شهر محزونی
وضایع در این حالت و خیال هم از حسن مهر و مهر و عید هم در کمال آسودگی بعد
هم دو هزار تومان رسید و حال بقیه سه هزار تومان در مصارف مخارج دارد
هنوز قبض بابت ده هزار تومان معین از آن در خرج شد هزار تومان هم مشکل است برای چند
که گرفتار شده‌ام این قرار اظهار هم برای شما است که در هر باب هنوز تقاضا کنید که عوارض [illegible]
و اشعار انشاء الله (حبیب الله)

حضرت سرکار معتمدالسلطان آقای میرزا جعفر خان دام اقباله   تلگراف مطالعه زیارت شد بحمدالله
مرحمت کثیر ائمه اطهار بحمدالله که جناب علما جمع احوال رئیس فرموده‌اند همه
طلب رحمت جناب آقا روحی فداه را الحمد لله هر جا هستم در حال زیارت بعموم هستم
می‌فرماید که الحمد لله هر مبارک روز است نوشته شده که از داده‌ام بعضی

در پشت پاکت حاجی محمد مهدیخان را سلام برسانم فدوی ابراهیم

حضرت مستطاب معظم السلطان آقای میرزا حسن خان مستوفی دام اقباله — در زیارت مکتوب سرکار عالی تازه رسید از آنکه مزاج شریف سالم است بالطبع عالی مسرور و خوشحال صحت و سلامت در باب [illegible] قطعه زمین معلوم است که سالها در هر از دیگری را زیاده است [illegible] خواهش دارند که [illegible] هر نگاه دارد در این بهانه کاری خود آوری [illegible] باشید لکن در انجام فرمایشات خود داری نخواهم داشت در امورات مشهد در اینهم جسیم

حضرت سرکار عزت [illegible] آقا خان بیگی دام اقباله — در این [illegible] جناب قرار [illegible] جناب جلالتمآب اجل [illegible] الملک [illegible] فراشان [illegible] در روز [illegible] حاجی آقا [illegible] حاجی میرزا [illegible] شد [illegible] که [illegible] این فراشان [illegible] حکیم [illegible]

حضور مرحمت ظهور جناب مستطاب [illegible] القاب آقای میرزا [illegible] الملکی [illegible] علیه [illegible] عرض میرسانم

۱۰۶

و دل حاضرم در تهیهٔ اتاق و اهتمام خاطر سرکار جمع باشد بحمدالله بعمیق

قربان حضور مهر ظهور جناب مستطاب مبارک شوم حال که امروز مبارک به طرف حاضر
و از سعادتی وجود خرسند روحی فداه شاکرم و بعض جاها که جواب ننوشتم سهم نیست

تصدق نقش مبارکت گردم جناب رکن الملک در جواب فرمایش اعلیحضرت
شرف بیانات حاکم عطوف شده هر چون علم شلتاق از برو نیم تر و نان جاره و ایشان
چرا نمی‌گیرند و بکنند عین مظهر در برای انتصار حاکم مهر سلطنت هر دو کار روحی فداه جاره بیمار نمی‌
برای ایشان در حضور بگیرند جناب رکن الملک حرف حرام گفته‌اند بر سر نمی‌شود و محظور
موارد زده و بهتر در دفتر علم خانه زلو هم بگویند حالا که هم خیلی عرایض و در جای حکم جاره
و مقرر شده باشد بروم خواهرت خود را بنمایم و این جواب ایشان عقیده چاره نبود همچنین

تمام شد فقط

حضور رحمت ظهور جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم حضرت وزیر اعظم سلطنه

برادرت که با خوف خیانت الصاف شرف جسته در مقر کار در جزئیات سرو قد
از نواب والده ایشان که فرمایش مبارک این مطلب در حضور حضرت حجت الاسلام گفته‌اند
صحیح است تحقیقات حالت مو صفهان سهم نموده که انتظام این ... از اتفاق و حق
دوستی که ارواح العالمین فداه و توجهات خاطر مبارک حضرت ... شاد عظم
روحی فداه که نظر خود جان نثاری بقیه‌اش را از خود عرض کنید که ... روحی
در همین تعقیب حکم اگر هم از جزئیات اتفاق فیما فوراً معلوم شده بلکه از ... حرم در
بنده البته هرگاه در این باب هم ذکر کرده جناب مستشار خارجه مطلبی واقع شده بر حقیقت نظام
چون نه هزار ده را به نفر از آن مهمان نواب والده ایشان گفته‌اند هر دو ایشان البته اشتغالات داشته هر
ایشان خواستم هر دو ... از توجهات ... که درست عقیده نمودیم که ... سلطان

حضرت سرکار حضرت ... ناظر ... بار دادش سهم سرمایه ... دولت
حضرت والده ارواحنا فداه کامل باشد به هم حالت وجهی سعادت سرکار ... بر آن تعلیم

حضرت حجت الاسلام آقا میرزا علی اکبر خان سرتیپ ... سعادت حاضر است

در زیر پای مبارک و تابان [illegible]

بتوسط نایب نظرخان معروض حضور انور العلیه حاجی سرور اعظم [illegible] بوکس مبارک
در حاجی آباد توقف داریم روز پنجشنبه نوروز شاه [illegible] گذشت [illegible]
سرکاری [illegible] خارج [illegible] کار [illegible] از صاحب منصب [illegible] حبیب الله

نایب نظرخان بجهت [illegible] سرکار [illegible] باشد محمد [illegible]

حرکت حضرت اقدس العلیه سرور [illegible] خان [illegible] هنگام حرکت بوکس مبارک [illegible]
از حاجی آباد [illegible] برادر [illegible] نموده
[illegible] (انشاءالله)

[illegible] مبارک [illegible] غلام زاده [illegible] مبارک [illegible] نموده
جمیع [illegible] کتابچه [illegible] سرکاری [illegible] تمام [illegible]
[illegible] حاجی [illegible] هم در کار [illegible] نموده
بوکس مبارک [illegible] غلام زاده [illegible] سرکاری [illegible] نموده

در کتابچه مندرج [illegible] تقدیم [illegible] غلام زاده اسدالله

روز چهارشنبه ۲۳ شهر صفر
جواب حاجی سید محمد علی [illegible] تلگراف [illegible] در خصوص [illegible]
عوض [illegible] صحیح نیست [illegible] تعرض است [illegible] من اگر [illegible]
که چنین اتفاق بیفتد این [illegible] از درگاه جهت [illegible] روزی [illegible]
[illegible] نفع [illegible] اگر [illegible] جهت [illegible]
کنم [illegible] نفع [illegible] قادر [illegible]
[illegible] عنوان [illegible] مطالبات
[illegible] معیوب [illegible] عوض کنند [illegible] عوض [illegible]
[illegible] این قسم مطالبات [illegible] اگر [illegible]
معیوب [illegible] عوض [illegible] اگر [illegible]
[illegible] در هر حال [illegible] جناب [illegible] خان [illegible]
[illegible] در همین حالت [illegible] اگر [illegible]
[illegible] عوض می‌کنیم اگر معیوب [illegible] السلطان

جناب نور چشم والا مقام صارم الدوله و جناب مشیر الملک حاجی سید محمد علی آقا کلنادی

چند نفر دیگر ملتزمان در خصوص تعویض سرباز نوشته بودند این فقره بعض است اگر سرباز ده دوازده نفر

باخیش و بی‌ناکاره باشند بعوض بفرستند سرباز بچه کاری می‌خورد و اگر علی حسین دارد

نوشته بعوض بکند در این مقدمه رسیدگی نمایند بطوریکه مطابق قانون و قاعده است

و دارش را نگاه دارند بهر آنچه باشند و کلیه این سربازها را بعضی حالت نگاه دارند و نجف‌آبادی‌ها

دارد تو هم دهقان سرباز راضی نیستیم و نمی‌خواهیم اگر رقعه و مطالبه بخواهی بنویس است

البته جناب نور چشم والا مقام صارم الدوله بنیه سخت بنمایند بر من منتهی بخصوص

کنند و فضولی نمایند ظل السلطان

حضرت اقدس ... آقای میرزا محمد خان دام اقباله عرض ارادت و اخلاص سرایم

جناب جلالت‌مآب اجل احوال ... ربکار ... نماینده و سفر ... بهتر است حالا

که شرفیاب حضور مبارک و مورد مرحمت شده‌اند زودتر معاودت نمایند و ... نوبر

که قرار دهقان را بر سر ... عرض شد ذیل ... باشد حاضرم ارادت کیش

احمد ... قشقائی

نواب نور چشم ... رئیس و شریف ... که ملکوف نموده‌ایم جناب رکن الملک

بتفنگ خودش ... نگاه داریم ... دهقان و صلاح ... بفرستند ... بعداً

لازم است ... بپول ... حال است ... ندارد ... پول ... بجا ... معلوم

دارد ظل السلطان

حضرت ... میرزا باقر خان ... هر وقت ... رسید ... معهذا ... بفرستید ... اینجا

برسانید اگر خبر تازه هم دارید عرض کنید ظل السلطان

جناب سلطان ... باشی ... عریضه شما رسید چون ... در ... حالش

در ... با جناب مشیر الملک در آنجا حاضر باشند جواب شما را حضوراً بشما بگویم ظل السلطان

جناب مشیر الملک ... احوال شما خبر است روز ... هم دارد ... معلوم ... شما

با جناب سلطان ... باشی ... دهقان ... در ... آنجا ... شما ... ظل السلطان

سعد السلطان ... خان ... تاریخ ... بیست ... فوراً

برسد ... ظل السلطان

نعوذ بجای مبارک تصدق شوم   خاکپای مبارک را می‌بوسم که رسید عریضه‌جات از رشت و قدوم

جواب بعد در هر حال ... می‌کرده و تسمات ... هر قدم شود ... قاپی عرض حضور مبارک

هم نیست همه کس دعاگوی وجود مبارک است و به همراه ... غلام جان نثار ...

حضرت ... ملک‌آرا ... لاجورد ... سرهنگ و ... عرض شدم و دارم از ...

مبارک و سلامتی ... عزیزم اطلاع برسید ... محمود

روز پنجشنبه ۲۳ شهر صفر

از همدان

خاکپای مبارک حضرت مستطاب اشرف والا ... روحنا فداه تفصیل غارت ...

در عراق و ... عرض ... جواب ... فرمودید ... عرض شد ...

فتح‌الله خان سرهنگ ... به همدان مأمور ... محصول ...

اهل ... دهات و ولایت خارج ... عراق عرض می‌کنم جواب ...

در ... عراق ... ولایت هم محصول ...

مقرر فرمایید ... موقوف ... خاکپای مبارک ... غلام محمد

سرهنگ فوج ...

از طهران

حضور مبارک حضرت والا روحی فداه   از تلگرافخانه اطلاع صحت مزاج مبارک را دارم

تا به حال هر وقت خبر استقلال و ... حکمرانی رسید عریضه مفصل عرض خواهم نمود (رشتی خانی)

از طهران

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا ... عظیم ...

عرض رسید ... اصفهان ... نمی‌شود ... تمام ...

... حکم ... عمارت عرض ...

... سرکار ... حکم ...

تماماً ... حسب الامر ... شد (امین السلطان)

جواب طهران

جناب مستطاب جلالت‌مآب اجل اکرم وزیر اعظم دام اقباله العالی ... جناب ...

... حکم ... رسید ... بصیرت و اطلاع ... ممالک محروسه ...

... اصفهان نیست ...

... تحقیق ... خود ...

نیست ... مبارک ...

... سلطنت ... ۱۵ ... حکم ...

جواب طایع رخوردار ... (ظل السلطان)

حضور مبارک معتمد السلطان آقا باشی تصدق حضور مرحمت ظهورت گردم الحمدلله تعالی وجود مبارک
بندگان عالی در عنایات و مرحمت کار در شغل بنده خواهد بود مخصوص بنده ارادت دارم
این حالی خواسته باشید بحمدالله از مرحمت شما که روحنا فداه صحیح و سالم و کار بنده مشغول
و به هیچ اشغال ... امیدوار هستم انشاءالله تعالی ... ایام ترقیات حضور مبارک
عالی و بنده ... خادمان حرم جلالت عرض سلام ... و عرض ... از حالت
سلامتی نواب علیه ... که ... اطلاع ... نواب والا ... فرزند ... دارم
پس ... هم ملبوس ... لازم ... صحیح ... علام ...
را ... درگاه عبدالله

میرزا اسدالله خان ملاحظه ... البته ... بار ... خود
داشته باشید انشاءالله تعالی از ... صحیح است ...
... (تاریخ ... ظل السلطان)

ز ۵۰

جناب مشیرالملک عرض مهر عنوان ... مطابق با واقع نیست و غیر از این ...
نوشته است در این ... که حاجی خان ... عرض کرده
... معتمد السلطان حاجی مصطفی خان ... خود ...
... لازم است ... جواب ... کرده ... عرض در این باب
... ظل السلطان

در این حضور مهر ظهور ... مبارک ... مبارک
... آنکه ... حضور ... که رجب ... مبارک ...
با جناب ... مشیرالملک ... انشاءالله تعالی ... خواهیم
... باشی

نواب ... والده ... حفظه الله تعالی ... آمده
... خودم ... که ... در ... حاصل کردم
الآن ... که در ... عراق ... در این جا توقف دارم

بچه اهری از آنجا وارد است بعضی اشخاص هم رسیده اند خلاص نزارد هم اهم و بطلودن

غیر از جز صغیر بودن ساعت وقت دار چی آلات دلتنگی و روز جمعه دوم را هم قرار داده اند

وارد شهر نوشتم تا ایلچیان تحقیق کارها در غفلت سر رسیده اند ضمن کتاب خود نوشتن و رود ما هم

خارجه هم دنبال او باشد هستم سرکار نماید بنای بیکار را الحمد کوشید ولی ما هم جمعی قرار داده

و لکن به قناعت دارم چه اکنون سرکارهای بیکاری تمام شد هر ما انشاء الله تعالی کارها

من بیچاره در بیکاری هم مجبورم که نیز جا هم که با سلامت هستم و از جار رحم هم وارد دنبال آنان

با کمک سرکار تمام ذرت نیز خواهیم برد طلب السلطان

تصدق حضور مبارکت شوم در باب تشخیص تیر لوتوس دو جلد کل سرکاری که چه

غلط نوشته صحیح و تمیز دستخط شغول است و لی بعد از تعریف دانه های مبارک هم خواهم سپردم

که برطرف تشخیص نماید اگرچه خدمات بالکل غلط نوشته بصحیح بدون حضور مبارک نیست ولی

در نشر ایلچیان شارژ غفلت نماید و لکن تحریر را بدون سلیقه تمام کهنه تقدیم کنم و در

تاریخ هم هنوز ساز و رده لیز کمال بعض را نه عرض نمود قاطع است آورده بعضی ها سال

تقدیم داشت والله سر و جان غلام زاده هم قابل تقدیم حضور مبارک است و در این شرکت دارد

حاضر است غلام زاده اسدالله

معروف حضور انور میرزا صادق ستم الله | انشاءالله تعالی احوال خوب است از روی دیگاه

تا کنون حضور نماینده است و بار باب جواد جو دلتنگی ابراهیم حسینی

روز جمعه ۲۰ شهر صفر ۱۳۲۰

طهران

جناب جلالتمآب اشرف مشیرالدوله دام مجده العالی در دو جا روحت از خبری از فرش رحیم

عالی اجل دلتنگ خیلی هستند هر روز و تقدیم کردن نشر و معلوم است شوکت اللطف عزیز اللطف

که این خبر را شنیدند چه حالت پیدا کنند و ما چه در چه غم و غصه تنها دست سینه این بجو نیم

تجربه مصیبت نمایم و در جماعت حضرت جلیل عالی علی الدوله دست نوکرها قیمت که هم

این جمعیت را بعضی حسن تقدیر حاجی ابو طالب خان است دیگر نوجوان محترم حاجی

می کنند از هم چه سینه و درخت ها تعزیت گوشه و همچنین بجناب معتمد الملک قیمت بر سد

حضور با الله تعالی ایشان را الله هرادری وقت و شاید از این اتفاق با ... روز طلب الملک حق

بخاک پای مبارک حضرت اقدس ارفع امجد والا حضرت ظل السلطان روحی فداه

روز دهم شهر صفر از توجه اقبال مبارک تمام قشون صحیح و سالم بجای خود [illegible] دارد

[illegible] قربان آستان مبارک مصطفی قلی [illegible]

روز شنبه ۲۶ شهر صفر

نور چشم مکرم والا مقام محمود [illegible] جواب جهالت [illegible] نور [illegible] بود [illegible]

[illegible] حاصل شده است تا [illegible] نور [illegible] سلامت [illegible]

حضرت [illegible] قلی خان [illegible] عرض [illegible] در [illegible]

[illegible] حرکت موکب مبارک [illegible]

جواب [illegible]

[illegible] حاجی مصطفی قلی خان [illegible] در باب رسیدن قشون [illegible]

[illegible] رسیده [illegible] سرور شدیم [illegible] قشون صحیح

سالم [illegible] رسیده [illegible] در خدمات دولت [illegible]

[illegible] خاطر [illegible] خاکپای [illegible]

[illegible] بر [illegible] خان [illegible]

در تمام [illegible] [illegible]

[illegible] اروحنا فداه [illegible] و [illegible] بهتر [illegible]

[illegible] جان خود را در خدمت گذاری دولت [illegible] در [illegible]

هم از [illegible] حرکت قشون [illegible] سوال و جواب [illegible] خواهیم

[illegible] جناب [illegible] در [illegible]

[illegible] در [illegible] طرف [illegible] شده [illegible]

[illegible] در [illegible] هم [illegible]

[illegible] آن هم [illegible] فوراً [illegible]

[illegible] خود [illegible] قشون [illegible] اطلاع [illegible]

تصدق خاکپای مبارکت شوم [illegible] این [illegible] نجات [illegible]

[illegible] است [illegible] خاطر مبارک [illegible]

مبارک [illegible] صحیح [illegible] است [illegible] جواب [illegible]

[illegible] الله خان [illegible] تقدیم [illegible]

[illegible]

نکات مبارک حضرت بعد از [illegible] والله روحی فداه [illegible] نوشته [illegible] ایشان بعد از

[illegible] معتبرین [illegible] از [illegible] و بشارت محبت [illegible]

احوال [illegible] حاجی [illegible] نوشته [illegible] بعضی هم [illegible]

[illegible] قسمی که هرگاه [illegible] مبارک [illegible] باعث [illegible]

[illegible] که [illegible] از قرار [illegible] تظلم [illegible]

[illegible] از جانب [illegible] انواع مختلف [illegible]

[illegible] از ایشان گرفته [illegible]

[illegible] آقا محمد [illegible] همین [illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] مقصود [illegible] و [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] احوال [illegible] آقا محمد [illegible]

[illegible] آقا محمد [illegible] این [illegible]

[illegible] حضرات [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] و دیگری [illegible]

عرض می‌کنم این حرکات و خیال این مردمان [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] والله [illegible] روایت [illegible] شان [illegible] هرگاه [illegible]

حق [illegible] باعث خشنودی خدا [illegible] دعا [illegible] جمعی [illegible]

حضرت [illegible] حاجی محمد تقی [illegible] معین التجار

[illegible] عرض [illegible] کاغذ [illegible]

جواب [illegible] عرض [illegible] جواب [illegible] نوشته [illegible]

والله [illegible] اطلاع [illegible] تا آنچه مصلحت است جواب نوشته [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] مبارک [illegible] زیارت [illegible]

[illegible] مقرر [illegible] موجب [illegible]

جواب [illegible] حضرت [illegible] روحی فداه [illegible]

[illegible] جواب [illegible] جواب [illegible] مقرر [illegible]

[illegible] جواب [illegible] مانوس [illegible]

زنوکان را تمام که [illegible] خیر بصحابت جسیم تقدیم مینماید غلام جان نثار [illegible]

روز یکشنبه ۲۶ شهر صفر ۱۳۰۸

جناب شیخ اجل حاجی محمد تقی [illegible] معین التجار [illegible] هم که هست [illegible] اصلاح است [illegible]

می نوشته در [illegible] بگویند من هم [illegible] از این [illegible] خبر نشنیده ام اگر یک طوری [illegible]

را بگیرند بهتر است در هر صورت [illegible] بصلاح [illegible] است هر طور مصلحت است بشوند [illegible]

عالیجاه [illegible] [illegible] ابدالاعلی اجل [illegible] است [illegible] جناب جلالت [illegible]

شیخ اجل [illegible] این [illegible] روز [illegible] موکب مبارک تشریف [illegible] دیروز [illegible]

[illegible] الملک [illegible] در حاجی آباد [illegible] بر [illegible]

[illegible] تشریف [illegible] موکب مبارک [illegible] در کار [illegible] باقر [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] [illegible] دارد [illegible] حاجی [illegible] روز [illegible]

در حضرت جناب آقای شیخ الملک [illegible] تشریف [illegible] حضور مبارک [illegible]

[illegible] حضور مبارک تقدیم [illegible] امر امر مبارک است غلام جان نثار [illegible]

حضور مرحمت [illegible] خان [illegible] القاب [illegible] میرزا [illegible] علاقی [illegible]

عرض [illegible] و چاکری [illegible] مبارک [illegible] همواره [illegible] اعتدال [illegible]

و [illegible] سلامت خواهد بود [illegible] سواری لازم نیست در [illegible] سواری [illegible]

[illegible] روز جمعه را [illegible] شرف حاصل خواهم نمود [illegible]

[illegible] اطلاع برسد فدوی [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] [illegible] [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] کردن [illegible] و [illegible] بوده

باشند

از طهران

حضور مبارک حضرت [illegible] شرف [illegible] والد [illegible] طل السلطان [illegible]

[illegible] حضرت والد را [illegible] [illegible] حضور مبارک [illegible]

رسانم [illegible] حضرت والد در [illegible] داشته [illegible]

کامله داشته خاطر خطیر مبارک مسرور [illegible] لیکن در این [illegible] مخصوصا [illegible]

لکن خیلی بد بود و دوری خاطر مبارک منتظر نگهبانی جوابات حضرت والا دولت تولد آن

امین السلطان

جناب صارم الدوله روز دوشنبه کالسکه لغو نشد برای یکشنبه صبح سه شنبه بیرون تهران بیان

حاضر باشد با توپ عظمی

جواب حاجی عبدالله

نور چشمی فرمایند انشاءالله تعالی در ظل مرحمت و رأفت بندگان حضرت قدر قدرت مجد اکرم والد

ولی نعمت که ارواح ما فداه است و قرین سرافرازی همه باشید در باب مالیه و برای

وغیره قرار صحیح انشاءالله تعالی ماه رمضان خواهید داد در خصوص کالسکه همان کالسکه خان خاطر دارید

زیرا که کالسکه حضرت اقدس [illegible] مصطفی قلی خان [illegible] سلیمان

جواب حضور سرکار [illegible] تسیم خان دام اقباله عرض [illegible] تحویل

حضرات محمود [illegible] از [illegible] بحکم [illegible] ارز [illegible] دولت و [illegible] آورده

[illegible] موجب [illegible] دولت [illegible] سرکار

حضرت سرکار خان [illegible] حضور دام اقباله [illegible] شده [illegible]

لازم است صادق

حضرت اقدس العلیه حاجی میرزا عبدالحسین خواسته بود هر که [illegible] بنده توجه [illegible]

به اطلاع دهم [illegible] بنده هستم [illegible] دوری کنید و حاجی [illegible] هر طور [illegible] خواهم [illegible]

[illegible] اینجا حاضر باشند ملاقات شود حفظ الله

جناب شیخ الملک چند نفر [illegible] اصفهان [illegible] و حالا دارند [illegible]

ملاحظه کنید از اینها [illegible] باشند و [illegible] منزل برسد [illegible] و چه [illegible] دارد

به در بعضی [illegible] و غیر ذلک دارد [illegible] خواهند شد و [illegible]

[illegible] منزل [illegible] هم از اینها [illegible] از هر جهت [illegible] باشند

گذشته از اینکه [illegible] از [illegible] و همراهی [illegible] بودن

خودش نتیجه [illegible] دارد بعضی [illegible] و [illegible] دارد [illegible] لازم است

از اینها [illegible] باشند و [illegible] هم از هر جهت [illegible] اعلی سلطان

معروض حضرت اقدس والا نایب میرزا محمد جهانبخش   در فقره جواب وزیرالملک اگرچه جناب مشیرالملک

خودش تقصیر حاکم است که در وضع حالت برگی داشت او هست ولی حق در این تعهد سراج

الملک هم برخی عرض کرده بودند در قصور بکارکنان نجابت مشیرالملک خواهم دلگرم ملاحظه کنند

من جواب باد نوشتم و میخواهم مطلب یابند و میرزان حاجی جناب مشیرالملک باید هر دو ایشان

قرار جواب بنویسند جواب همطور بنویسند که آن ... رفتن بجناب حضرت ... انشاءالله زیاد

نزارد لاکن خلف وعده و نقض عهد به حال خودشان را انکار کنند لکن باید نتیجه است

باز دیر در ... اردو ... و ... تا باشد از همین که ... مطلب معلوم است

دولتین معلوم از هر کسی ... نقض عهد ... کنند ... برای نوکرها هم ... است

هر ... نکرده باشد و با هم مربوط باشند لاکن ... و صحت ... هیچ ... کرد

نخواهند داشت ... جناب ... هم ... مطالب بشنوند شرط در است

ولی خوب ... خودشان ... دارد ... اینطور ... نوشته

... دلتان ... باشد ... در ... عالم ... مسلم ...

این است ... اسلام ... دولت ... برای ایشان باشد

آقای ... است ... برای ایشان درست ولی محکم ... است و بسلام از همین ...

بنویسید و در این زمینه کار بکنند اگرچه این سرد کوبیده است ولی باز تکرار کردم ...

... از دستی است ظل السلطان

معروض حضرت اقدس والا میرزا محمد جهانبخش   ... است نماینده ... مارا ... مشیرالملک

نماینده ... تعهد ... باشند ... طهران را ... میرزا ... خان

بگیرد و مربوط ... تعهد ... ایشان ... در این باب ... که هم حکام ... را

در ... و ... ایشان ... بکنید ظل السلطان

جواب ... صادق ... نمارا ... این همه ... در این مطلب

لازم نیست ... برای ... این ملک ... شده

در ... داشته است این ... را هیچ لازم ندارد ... نجابت ... اعلام

نوشته ام ... و قرار ... از ایشان بخواهید و این طور ... والله ...

مطلب ... این ... را لازم ندارد ظل السلطان

حضرت اقدس والا [illegible] میرزا [illegible]   ملاحظه شد [illegible] میرزا محمد صادق را [illegible] جواب [illegible]

و حالا رئیس الملک هم ملاحظه در این [illegible] نماید سؤال و جواب [illegible]

رئیس الملک [illegible] جناب نورچشم والامقام صارم الدوله [illegible]

مستحضر باشد [illegible] رئیس الملک [illegible]

و این [illegible] رفع شود ظل السلطان

روز [illegible] ۲۸ شهر صفر ۱۳[illegible]

حضور جناب جلالتمآب [illegible] رئیس الملک دام اقباله العالی ملاحظه [illegible]

[illegible]

روز شنبه [illegible] عبدالمجید

حضرت [illegible] السلطان [illegible] آقاباشی دام اقباله   [illegible]

[illegible]

[illegible]   ملاحظه [illegible]

[illegible]

جناب رئیس الملک   ملاحظه شد سادات میرزا محمد صادق [illegible]

جناب نورچشم والامقام صارم الدوله که [illegible] جواب [illegible] نوشته ام [illegible]

در صورت سؤال و جواب [illegible] ملاحظه کند این ملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] میرزا [illegible] میرزا عبدالوهاب [illegible] این ملک [illegible]

[illegible] ملا محمد صادق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صارم الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

میرزا عبدالوهاب [illegible]

[illegible] (ظل السلطان)

وصول تلگراف جنابعالی که آکوری آمده بود از جانب ایشان طرف شده زردی بچه مخلص آورده بود

و جمله ربه از سرکار بنده تلگراف نمارای و نتیم زیارت بنمایند جایگه در حرم حضرت سلیمان

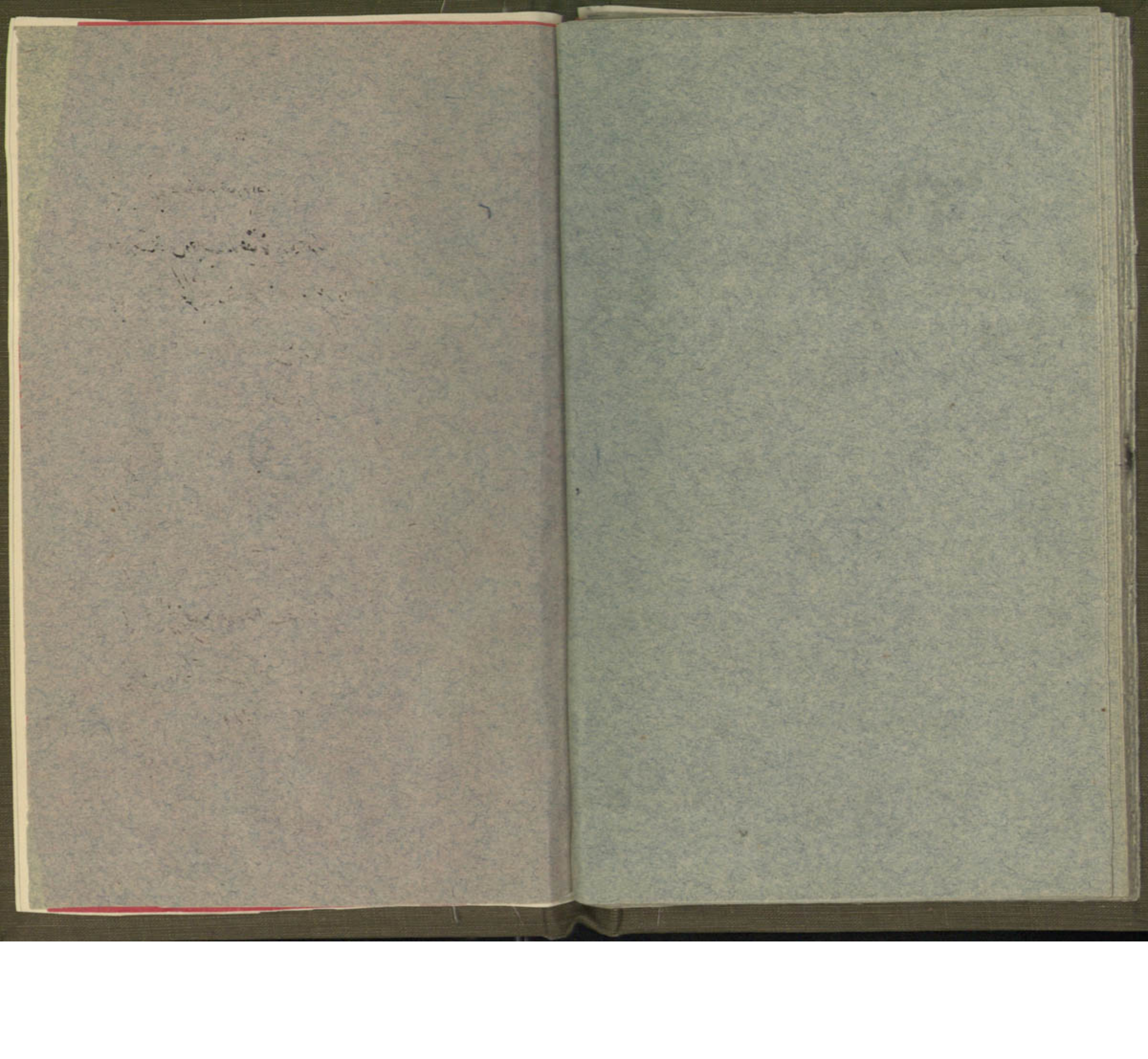
طهرانی

جناب مستطاب جلالتمآب اجل اکرم دام اقباله بس از اینکه خودم را در انجام مقررات کوتاهی

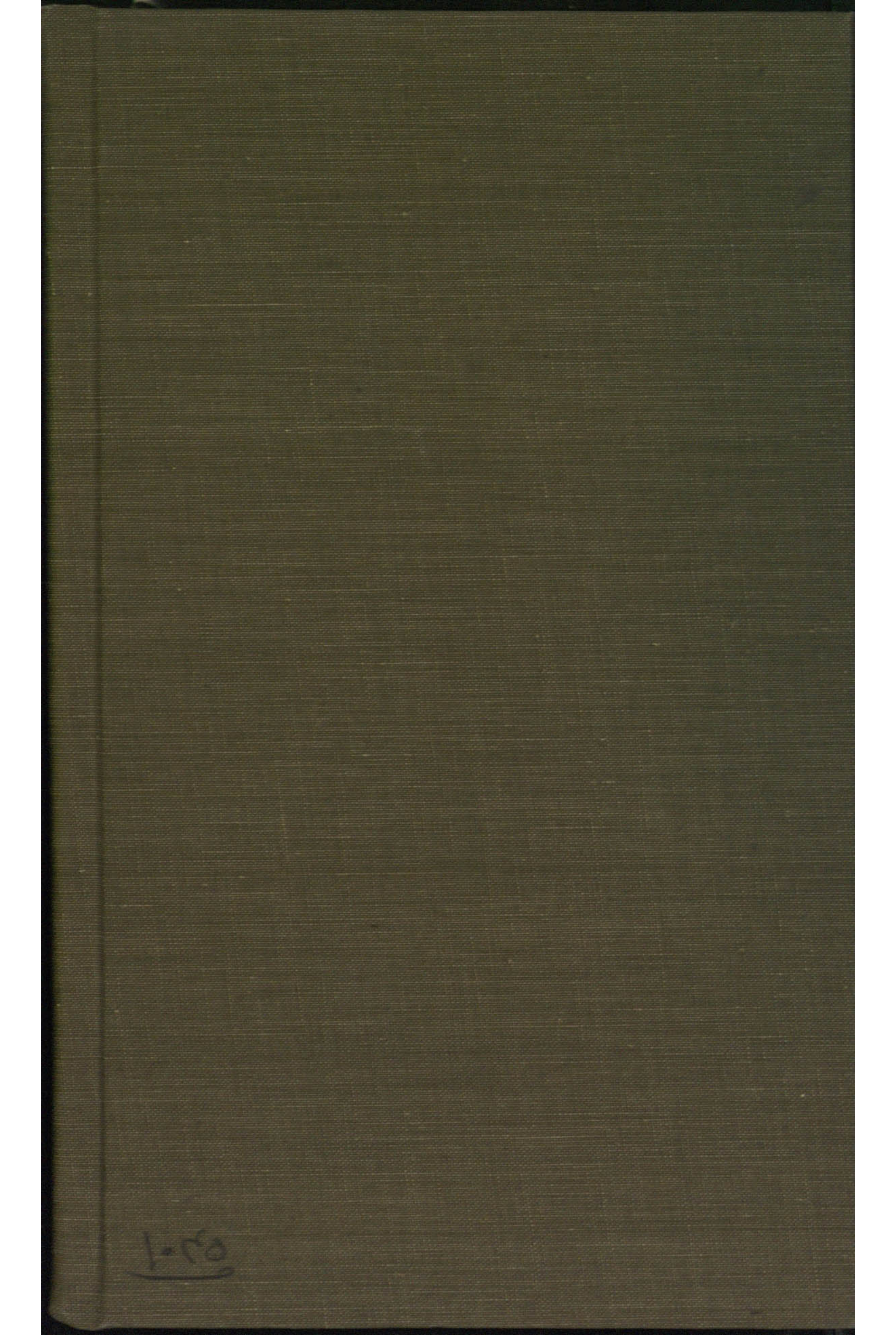
معاف ننموده ام و البته اندازه بیمار که در پیدا کردن دزد و دولت آوردن مال مسروقه و کوشش از کار

سعی میکردم در هیچ جور از مقررات تغییر و قوه خود در نظم مملکت کوتاهی نکنم و اقدامات خودم را

از این نوع مراحم ملوکانه متوکلم با استحضارات جنابعالی در حضور همایونی ظل السلطان






١٠٣٥